

چالش در حرفه

تغییر حسابرسی



در سال‌های اخیر تغییر حسابرسی شرکت‌ها بدل به موضوع تحقیقات بسیاری شده است. حرفه و قانون‌گذاران در صدد درک علل چنین تغییراتی هستند و می‌خواهند بدانند که این تغییرات چه حقایقی را از سلامت مالی یک شرکت فاش می‌کنند. از مطالعه‌ای که در دو سال گذشته در ایالات متحده آمریکا پیرامون تغییر حسابرسی صورت گرفته، نتایج قابل تأملی هم برای سرمایه‌گذاران و هم برای قانون‌گذاران حاصل شده است. حسابرسیان نیز باید در مورد دلایل چنین تغییراتی بیشتر بدانند و اقدام مقتضی را به عمل آورند.

تغییر حسابرسی می‌تواند نتیجه عزل حسابرس توسط شرکت یا استعفای وی باشد. استعفای حسابرسیان اغلب در شرایط مالی ناگوار رخ می‌دهد و این شرایط می‌تواند با کاهش چشمگیر قیمت سهام شرکت همراه شود. در ایالات متحده آمریکا، تغییر حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، به هر دلیل، باید به اطلاع کمیسیون بورس و اوراق بهادار (SEC) برسد. بورس اوراق بهادار میان استعفای حسابرس و عزل وی توسط شرکت تفاوت قائل شده، با دیدی موشکافانه پدیده تغییر حسابرسی را مورد بررسی قرار می‌دهد. مطالعات دانشگاهی که اخیراً صورت گرفته، مؤید این مسئله است که در شرایط افزایش ریسک دادخواهی علیه شرکت‌ها و همچنین در خطر قرار گرفتن سلامت مالی آنها، استعفای حسابرسیان شدت می‌یابد. تحقیقات همچنین حاکی از آن است که آن دسته از تغییرات حسابرسی که توسط صاحبکار صورت می‌پذیرد، اغلب ناشی از عدم توافق در مورد مسائلی همچون کاستی‌های سیستم کنترل داخلی و قابلیت اتکای گزارشگری مالی است. از آنجا که برقراری ارتباط میان تغییرات در قیمت سهام یک شرکت و انتشار اطلاعاتی پیرامون ضعف عمده در سیستم کنترل داخلی آن دشوار است، تفسیر تغییرات قیمت سهام از این حیث باید به دقت صورت گیرد و نباید نقش سایر عوامل در نوسانات قیمت سهام این شرکت‌ها، هیچ انگاشته شود. در ادامه این تحقیق تأثیر دلایل افشا شده تغییر حسابرسی بر قیمت سهام صاحبکار را مورد بررسی قرار می‌دهیم.



● مترجم: صونا ولی پور

Lynn E. Turner, CPA

Jason P. Williams, MBA, ACCA

Thomas R. Weirich, PhD, CPA

تغییر حسابرسان زیر ذره بین

روند رو به رشد تغییر حسابرسان که تا سال ۲۰۰۴ ادامه داشت، با تغییر حسابرسان ۱۶۰۰ شرکت در ایالات متحده در این سال به رکورد تازه‌ای دست یافت. طبق آمار ارائه شده توسط کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا، بیش از ۲۵۰۰ شرکت حسابرسان خود را تنها در طول سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ تغییر داده‌اند. در سال ۲۰۰۴، ۱۶۰۹ شرکت حسابرسان خود را تعویض کرده‌اند که رقم مشابه در سال ۲۰۰۳، برابر با ۹۰۵ بوده است. سرمایه‌گذاران و حسابرسان باید به جست و جوی خود برای کشف علل محرک این امر ادامه داده، بررسی کنند که آیا این تغییرات دارای اثری نامساعد روی ارزش سهامداران این شرکت‌ها هست یا خیر. افزون بر اینها ۵۹ درصد از شرکت‌هایی که در حسابرسان خود تغییراتی داده‌اند، از ارائه هرگونه توضیحی درباره علل این تغییرات به سهامدارانشان سر باز زده‌اند و آنها را در تاریکی رها کرده‌اند. با بررسی آمار به دست آمده می‌توان به چند سر نخ اساسی دست یافت:

■ شرکت‌ها در این مورد به افشای کافی نپرداخته‌اند. در سال ۲۰۰۴، ۵۹ درصد از شرکت‌های مذکور، دلیلی برای تغییر حسابرسانشان ارائه نکرده‌اند که این رقم در سال ۲۰۰۳ برابر با ۶۹ درصد بوده است.

■ تعداد شرکت‌هایی که نامناسب بودن سیستم کنترل داخلی خود را به عنوان دلیل تغییر حسابرسانشان اعلام کرده‌اند، در سال ۲۰۰۴ نسبت به سال ۲۰۰۳ دو برابر شده و این در

تضاد با یکی از الزامات کمیسیون بورس و اوراق بهادار که طبق آن، مدیران عامل و رؤسای حسابداری شرکت‌ها باید نارسایی‌های سیستم کنترل داخلی شرکت را به محض اطلاع، افشا کنند، قرار می‌گیرد. ۴۸ درصد از این شرکت‌ها را شرکت‌های کوچک با درآمدی کمتر از ۲۵ میلیون دلار تشکیل می‌دهد.

■ در سال ۲۰۰۴، ۳۵ درصد از شرکت‌هایی که تغییر حسابرسانشان را به کمیسیون گزارش کرده‌اند، مشکل تداوم فعالیت را به عنوان دلیل این تغییرات اعلام کرده‌اند؛ که این تعداد در سال ۲۰۰۳، ۲۹ درصد بوده است. یعنی حسابرسان معتقد بوده‌اند که ورشکستگی این شرکت‌ها در ۱۲ ماه آتی، امری اجتناب ناپذیر است. تقریباً تمام این شرکت‌ها (۹۲ درصد) شرکت‌های کوچکی بوده‌اند که ریسک بالاتری هم داشته‌اند.

■ طی این دو سال هیچ‌یک از چهار غول حسابرسی موفق به افزایش سهم بازار خود نبوده‌اند. غول‌های حرفه، در کل، ۴۰۰ صاحبکار را از دست داده‌اند: ۱۶۴ صاحبکار جدید یافته‌اند و این در حالیست که ۵۶۴ صاحبکار خود را از دست داده‌اند. مؤسسات حسابرسی رده دوم، روی هم رفته ۱۱۷ صاحبکار جدید پیدا کرده‌اند: ۲۳۳ صاحبکار جدید در برابر ۱۱۶ صاحبکار از دست رفته. سایر مؤسسه‌ها، با کسب ۱۱۴۶ فرصت جدید حسابرسی، ۹۲۹ فرصت را از دست داده‌اند و در کل موفق به کسب ۲۱۷ صاحبکار جدید گشته‌اند.

■ غول‌های چهارگانه به حذف

شرکت‌های کوچک از فهرست صاحبکارانشان همچنان ادامه داده‌اند و در کل، ۲۸۰ مورد حسابرسی شرکت‌هایی با درآمدی کمتر از ۱۰۰ میلیون دلار را واگذار کرده‌اند. ۴۶ شرکت از ۵۳ شرکتی که درآمدی بالاتر از یک میلیارد دلار دارند و حسابرسان خود را تغییر داده‌اند، سابقاً توسط یکی از چهار غول بزرگ حسابرسی می‌شده‌اند و ۳۲ شرکت از این گروه پس از تعویض حسابرسانشان، برای حسابرسی، مجدداً از یکی دیگر از غول‌ها دعوت کرده‌اند.

■ ۳۰ شرکت از شرکت‌هایی که حسابرس خود را در سال ۲۰۰۴ تغییر داده‌اند، به ارائه مجدد صورت‌های مالی پرداخته‌اند. این در حالیست که در سال ۲۰۰۳ کمتر از نصف این تعداد، یعنی ۱۴ شرکت، به ارائه مجدد صورت‌های مالی شان پرداخته بودند. بیش از نیمی از این شرکت‌ها دچار ضعف در سیستم کنترل داخلی شان نیز بوده‌اند و ۱۶ شرکت از آنها درآمدی کمتر از ۲۵ میلیون دلار داشته‌اند.

■ تعداد شرکت‌هایی که عدم توافق پیرامون مسائل حسابداری یا حسابرسی را بهانه کرده‌اند، از ۲۷ شرکت در سال ۲۰۰۳، به ۱۹ شرکت در سال ۲۰۰۴ کاهش یافته است. شرکت‌هایی با درآمد کمتر از ۲۵ میلیون دلار، ۴۲ درصد از این تعداد را تشکیل می‌دهند.

■ در سال ۲۰۰۴، ۱۹ حسابرس به این نتیجه رسیده‌اند که دیگر نمی‌توانند بر اظهارات مدیریت صاحبکارانشان اتکا کنند و این رقم در سال ۲۰۰۳

برابر با ۶ حسابرس بوده است. ۴۷ درصد از این شرکت‌ها را شرکت‌های کوچک شامل می‌شوند.

■ ۵۵ شرکت، کاهش در هزینه حسابرسی را دلیل تغییر حسابرسانشان ذکر کرده‌اند که این تعداد بیش از دو برابر رقم مشابه سال ۲۰۰۳ است. ۴۰ درصد از آنها، شرکت‌هایی با درآمدی کمتر از ۲۵ میلیون دلار بوده‌اند.

■ ۱۳۳ مورد از تغییر حسابرسان در سال ۲۰۰۴ و ۵۷ مورد تغییر در سال ۲۰۰۳، به دلیل عدم توانایی یا بی‌میلی صاحبکاران در رعایت الزامات کمیسیون بورس اوراق بهادار در ارتباط با شرکت‌های سهامی عام بوده است. این روند افزایشی، قابل تأمل است.

■ در سال ۲۰۰۳، ۲۲ مورد تغییر در حسابرسان به دلیل ادغام شرکت‌ها از لحاظ حسابداری بوده است که در سال ۲۰۰۴، این رقم به ۸۲ مورد می‌رسد.

اعلام تغییر حسابرس

دلایل گزارش شده برای تغییر حسابرسان در اغلب مواقع شناختی از صورت‌های مالی به دست داده، می‌تواند معیاری از کیفیت حسابرسی باشد. کمیسیون بورس اوراق بهادار از شرکت‌ها خواسته به افشای اطلاعاتی مشخص پیرامون دلایل تغییر حسابرسانشان بپردازند. افشای این دلایل می‌تواند دیدی کلی از مشکلات بالقوه موجود در صورت‌های مالی به دست دهد. شرکت‌ها ضرورتاً ملزم به افشای دلیلی خاص برای تغییر حسابرسانشان نیستند و با عدم افشای

دلیل تغییر حسابرسانشان می‌توانند سرمایه‌گذاران را در بی‌خبری رها کنند. در این صورت تنها کاری که سرمایه‌گذاران باید انجام دهند این است که همواره نسبت به تغییر حسابرس شرکت مورد نظرشان هوشیار بوده، آن را نشانه‌ای از مشکلات اساسی ناگفته در گزارشگری مالی و رویه عمل‌های حسابداری بدانند.

آنچه شرکت باید در مورد تغییر حسابرس خود افشا کند تا کسب دیدگاهی از گزارشگری مالی و رویه عمل‌های حسابداری آن میسر شود:

■ کدام طرف به ارتباط پایان داده است: شرکت یا حسابرس.

■ نوع گزارشی که حسابرس شرکت برای دو سال گذشته منتشر کرده است.

■ هرگونه ضعف یا ناکارآمدی کنترل داخلی، یا هرگونه توانایی یا عدم توانایی شرکت در عمل به الزامات کمیسیون بورس اوراق بهادار.

■ عدم توانایی حسابرس در اتکا به اظهارات مدیریت؛ چنانچه مصداق دارد.

■ اشاره به اعمال غیر قانونی.

■ هرگونه مشاوره قبلی با حسابرس جدید درباره اصول حسابداری یا نوع اظهار نظر حسابرسی که باید منتشر شود.

■ اینکه آیا حسابرس با آنچه شرکت پیرامون دلایل قطع ارتباط با حسابرس به کمیسیون بورس اوراق بهادار طی نامه‌ای مکتوب (مطابق با الزامات کمیسیون) اعلام نموده موافق است یا خیر.

دقت در این مسائل می‌تواند درک بهتری

از علل تغییر حسابرس و همچنین موقعیت مالی شرکت به دست دهد. شرکت‌ها اغلب از افشای دلیل واقعی تغییر حسابرسان خود طفره می‌روند و گاه آنچه به کمیسیون اعلام می‌کنند هم دلیل اصلی نیست؛ به همین دلیل سرمایه‌گذاران ناگزیرند برای یافتن دلایل تغییر، به کند و کاوی دقیق بپردازند. در برخی موارد هم آنچه حسابرسان به عنوان دلیل تغییر به کمیسیون اعلام می‌کنند به علت اجتنابشان از مشاجره و دعاوی حقوقی تمام واقعیت نیست و آشفتگی سرمایه‌گذار در یافتن واقعیت را مضاعف می‌کند.

شرکت‌هایی با درآمدی بیش از ۱۰۰ میلیون دلار کوچکترین سهم را در آمار ۷۸ درصدی تغییر حسابرسان در سال ۲۰۰۴ دارند که البته همین تعداد نسبت به تعداد مشابه در سال ۲۰۰۳ افزایش چشمگیری داشته است. شرکت‌هایی با درآمد کمتر از ۱۰۰ میلیون دلار رکورددار تغییر حسابرسان هستند. در سال ۲۰۰۴، ۵۶۴ مورد تغییر حسابرسان مربوط به چهار غول حسابرسی است که ۳۵ درصد از کل تغییرات بوده و ۷ درصد از تغییرات مورد بحث مربوط به مؤسسات حسابرسی رده دوم بوده و ۵۸ درصد باقی مانده متعلق به سایر مؤسسات حسابرسی است. این جزئیات با آمار مشابه سال ۲۰۰۳ که به ترتیب ۳۶ درصد، ۹ درصد و ۵۵ درصد بوده، تقریباً مطابق است.

دلایل تغییر حسابرسان

مجموعه‌ای از شرایط ممکن است سبب شود تا یک شرکت و حسابرسش به

ارتباط خود پایان دهند. هنگامی که یک شرکت دلیلی برای این مسئله اعلام می‌کند، سرمایه‌گذاران آن شرکت و همچنین حساب‌سازانش باید سعی در پیدا کردن دلیل اصلی و منتسب کردن آن به یکی از این موارد باشند: "ضعف سیستم کنترل داخلی"، "ارائه مجدد صورت‌های مالی"، "عدم توافق در مورد مسائل حسابداری"، "ناتوانی در اتکا بر اظهارات مدیریت"، "محدودیت در دامنه رسیدگی"، "نظرات ممنوع حسابرس" و "اعمال غیرقانونی". این دسته دلایل می‌توانند گواهی بر ناکارآمدی عملیات حسابداری یک شرکت بوده، نتایج مالی گزارش شده را تحت تأثیر قرار دهند. دلایلی چون "استقلال مخدوش" و "کاهش هزینه‌ها" می‌توانند به کیفیت کار حسابرسی پیش و پس از تغییر حسابرس آسیب برسانند.

ضعف سیستم کنترل داخلی

کنترل‌های داخلی کارآمد جهت وصول به اطلاعات مالی قابل اتکا ضروری است. بدون کنترل داخلی خوب، احتمال اینکه مدیریت تصمیمات اشتباهی با اتکا بر داده‌های غیر قابل اتکا اخذ کند، افزایش می‌یابد. همچنین، سرمایه‌گذاران نیز قادر نخواهند بود صورت‌های مالی یک شرکت را به طور صحیح تحلیل کرده، تصمیمات سرمایه‌گذاری درست اتخاذ کنند.

کمیسیون بورس اوراق بهادار، شرکت‌ها را ملزم به پیاده‌سازی یک سیستم کنترل داخلی مناسب کرده، دارا بودن چنین سیستمی را یکی از ادعاهای مدیریت قلمداد می‌کند که حسابرس باید آن را

تأیید یا رد کند.

آمار و ارقام به دست آمده، حاکی از آن است که ضعف عمده در سیستم کنترل داخلی بیشتر در شرکت‌های کوچک رایج است و این مسئله طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۴ افزایش قابل توجهی داشته است. به همین ترتیب، هرچه درآمد شرکت‌ها بیشتر باشد، احتمال اینکه دچار مشکلات جدی در سیستم کنترل داخلی خود باشند، کاهش می‌یابد. عمده‌ترین دلیل که در این ارتباط به نظر می‌رسد این است که شرکت‌های بزرگ برای پیشبرد کارآیی عملیات خود ناچار به داشتن سیستم کنترل داخلی کارآمد و عاری از ضعف‌های جدی‌اند و نیز شرکت‌های با درآمد بالا منابع مالی کافی برای استقرار و حفظ یک سیستم کنترلی قوی دارند.

۵۸ شرکت در سال ۲۰۰۳، ضعف سیستم کنترل داخلی را بهانه‌ای برای تغییر حساب‌سازانشان اعلام کرده‌اند و در سال ۲۰۰۴، این تعداد به ۱۰۲ شرکت رسیده است که افزایشی ۷۶ درصدی را نشان می‌دهد. یکی از دلایل این مسئله می‌تواند الزامات جدیدی باشد که کمیسیون برای شرکت‌هایی که حساب‌سازان خود را تغییر داده‌اند، برقرار کرده است؛ به عبارت دیگر دایره شمول الزامات کمیسیون افزایش یافته است. افزون بر این، نکته جالب توجه این است که هنوز قوانین جدید در این خصوص در مورد شرکت‌های کوچک لازم‌الاجرا نیست و چنانچه رعایت الزامات مزبور به شرکت‌هایی با سطح درآمدی پایین‌تر نیز تسری یابد، موج جدیدی از گزارشات مبنی بر ضعف سیستم کنترل داخلی در راه خواهد بود. در گذشته، حساب‌سازان مشخصاً ملزم به اظهار نظر در مورد

گزارش مدیریت از سیستم کنترل داخلی صاحبکار نبودند و همین مسئله به توجیه رشد چشمگیر ۷۶ درصدی کمک می‌کند؛ چراکه قوانین جدید اظهار نظر مستقل حسابرس پیرامون ادعای مدیریت در مورد سیستم کنترل داخلی شرکت را ایجاب می‌کند.

به طور متوسط در سال ۲۰۰۴، قیمت سهام شرکت‌هایی که درآمدی بیش از ۱۰۰ میلیون دلار داشته‌اند و ضعف عمده در سیستم کنترل داخلی خود را به عنوان دلیل تغییر حسابرس اعلام کرده بودند، کمتر از ۱ درصد کاهش نشان داده است. قیمت سهام شرکت‌هایی با درآمد کمتر از ۱۰۰ میلیون دلار، در شرایط مشابه، متوسط کاهشش به میزان ۱/۸ درصد داشته است. لازم به ذکر است که افزایش قیمت سهام یک شرکت در سال ۲۰۰۴ به دلیل قرار گرفتن نامش در فهرست ۵۰۰ شرکت برتر S&P، ۹ درصد بوده که در تحلیل نسبی نوسانات قیمت سهام مفید است.

شرکت‌هایی که ضعف جدی در سیستم کنترل داخلی خود را به کمیسیون اعلام کرده‌اند، طبق قوانین حاکم باید ضعف موجود را برطرف کرده، رفع کاستی‌ها را به اطلاع کمیسیون برسانند. هدف این قوانین، دستیابی به اطلاعات مالی قابل اتکا در مورد شرکت‌ها است.

اکثر شرکت‌هایی که ضعف عمده در سیستم کنترل داخلی خود گزارش کرده‌اند، این کاستی را به کارکنان خود منتسب کرده‌اند. از جمله این دلایل عبارتند از: فقدان کارکنان صلاحیت‌دار در دایره حسابداری شرکت، تفکیک نامناسب وظایف، فقدان آموزش و نظارت مناسب، مشکل مرسوم دیگر، به

حسابرس را به ارائه مجدد صورت های مالی مربوط دانست. البته ممکن است این شرکت ها به نوعی دچار عدم کارایی سیستم کنترلی خود بوده باشند که افشا نشده و همین امر منجر به ارائه مجدد صورت های مالی آنها شده است. شرکت هایی که در سال ۲۰۰۴ صورت های مالی خود را مجدداً ارایه نموده اند، افت ۳ درصدی در قیمت سهام خود را از سرگذرانده اند.

عدم توافق در مورد مسائل حسابداری

عدم توافق پیش آمده میان صاحبکار و حسابرس مستقل در مورد مسائل حسابداری تأثیری منفی و مستقیم روی نتایج مالی گزارش شده صاحبکار خواهد داشت. چنین عدم توافقی در وهله نخست تلاش شرکت صاحبکار برای به کارگیری اصول حسابداری نامناسب، متهورانه و یا سرپیچی از اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری را به ذهن متبادر می کند. شرکتی که در این ارتباط با حسابرس خود دچار مشکل می شود، حسابرس مستقل را از ادامه کار حسابداری مستقل منع کرده، حسابرس دیگری که رویه ای مسالمت آمیز با رویه های حسابداری خود دارد را دعوت به کار خواهد کرد. شرکت ها و حسابرسانشان ملزم هستند که موارد عدم توافق را به کمیسیون بورس اوراق بهادار گزارش کنند؛ حتی اگر این موارد، نهایتاً بر وفق مراد حسابرس برطرف شده باشد. در سال ۲۰۰۴، تنها یک درصد از شرکت هایی که حسابرسان خود را تغییر داده اند، دلیل این امر را عدم توافق در مورد مسائل حسابداری اعلام کرده اند.

ارائه مجدد صورت های مالی

در سال ۲۰۰۴، ۳۰ شرکت از شرکت هایی که حسابرسان خود را تغییر داده اند، به ارائه مجدد صورت های مالی خود پرداخته اند و این در حالیست که در سال ۲۰۰۳، تنها ۱۴ شرکت از این گونه شرکت ها به ارائه مجدد صورت های مالی خود پرداخته بودند. بیش از نیمی از شرکت هایی که به ارائه مجدد صورت های مالی خود پرداخته بودند، کاستی هایی نیز در سیستم کنترل داخلی گزارش کرده بودند. تغییر حسابرسان تمامی این شرکت ها پس از ارائه مجدد صورت های مالی رخ داده که این امر نمی تواند تصادفی بوده باشد. در ۱۱ مورد، حسابرسان از ادامه کار استعفا کرده اند و در ۵ مورد صاحبکاران حسابرسان را از حسابرسی مستقل خود عزل کرده اند. دلیل استعفای حسابرسان را می توان اطلاع آنان از ریسکی که به سبب ضعف سیستم کنترل داخلی صاحبکار متوجه شان بوده، دانست. در مواردی که حسابرسان کنار گذاشته شده اند، رابطه میان حسابرس و صاحبکار به این دلیل که حسابرس ضعف سیستم کنترل داخلی صاحبکار را افشا نکرده، ادامه یافته و قطع ارتباط تارائه مجدد صورت های مالی به تعویق افتاده است. اکثر شرکت هایی که به ارائه مجدد صورت های مالی خود پرداخته اند، توسط غول ها حسابرسی شده بودند. در مورد شرکت هایی که صورت های مالی خود را مجدداً ارائه کرده اند و ضعف جدی در سیستم کنترل داخلی خود نداشته اند، نمی توان تغییر

سیستم های اطلاعاتی نامناسب حسابداری شرکت ها مربوط می شود. همه این عوامل در ضعف سیستم کنترل داخلی دخیلند و تا زمانی که شرکت ها برای رفع این مسائل، اقدام نکنند، مشکلات به قوت خود باقی خواهند ماند. چهار غول حسابرسی دنیا، ضعف های سیستم کنترل داخلی صاحبکارانشان را بسیار سریع شناسایی کرده، بعید به نظر می رسد پس از افشای این ضعف ها به حسابرسی آن شرکت ادامه دهند. به این ترتیب به این سؤال رهنمون می شویم که آیا تحمل ریسک حسابرسی صاحبکاران دارای سیستم کنترل داخلی ضعیف، به مرور بر دوش مؤسسات حسابرسی کوچکتر قرار می گیرد؟

تداوم فعالیت

تعدادی از شرکت ها، مسئله تداوم فعالیت را دلیل تغییر حسابرس خود اعلام کرده اند. تعداد شرکت های مذکور، ۲۵ درصد از کل شرکت هایی بوده که حسابرسان خود را تغییر داده اند. این تعداد در سال ۲۰۰۳، ۲۹ درصد از کل بوده است. در اغلب مواقع، حسابرسان از کار حسابرسی که تداوم فعالیت صاحبکار طرف قراردادش زیر سؤال است استعفا می کنند؛ به این علت که از پذیرش ریسک از این بابت گریزانند. در مواردی که شرکت دست به اخراج حسابرسش می زند، این مسئله را می توان با ناخرسندی صاحبکار از اینکه حسابرس چنین عقیده ای نسبت به تداوم فعالیت آن دارد توجیه کرد؛ در این حالت صاحبکار خواهان جلب نظر مساعد حسابرس در مورد تداوم فعالیت خود است.

حال آنکه در سال ۲۰۰۳، ۳ درصد از شرکت‌هایی که حسابرسان خود را تغییر داده‌اند، چنین وضعیتی داشته‌اند. قوی کردن کمیته حسابرسی شرکت‌ها در مسائل مالی به کاهش چنین عدم توافقی‌هایی کمک می‌کند؛ البته انتظار حذف کامل آنها، انتظاری بیهوده است. هرچند طبق اطلاعات موجود، در میان اعضای هیأت مدیره شرکت‌هایی که عدم توافق خود را با حسابرسانشان پیرامون مسائل مالی گزارش داده‌اند، حسابدار رسمی هم به چشم می‌خورد. داده‌های موجود حاکی از آنند که احتمال اینکه چهار غول حسابرسی در این عدم توافق‌ها درگیر باشند، بیشتر است و همچنین احتمال اینکه پس از این چنین اختلاف نظرهایی، صاحبکار برای ادامه کار حسابرسی از یکی دیگر از "چهار بزرگ" برای ادامه کار دعوت کند، کم است. حسابرس ۱۳ شرکت از ۱۹ شرکتی که دلیل تغییر حسابرسانشان عدم توافق بوده است، یعنی ۶۸ درصد، "چهار بزرگ" بوده‌اند ولی تنها در ۶ مورد، یعنی ۳۲ درصد، از یکی از آنها به عنوان حسابرس جانشین دعوت شده است. این چهار مؤسسه غول‌پیکر حسابرسی تمایلی به پذیرش حسابرسی صاحبکاری که با حسابرس قبلی خود در مورد مسائل حسابداری توافق نداشته، ندارند؛ به خصوص اگر این صاحبکار، یک شرکت کوچک باشد. از ۱۹ مورد عدم توافق، ۴ مورد مربوط به مسائل شناسایی درآمد است و جز این مورد، نمی‌توان الگوی خاصی برای موارد عدم توافق پیدا کرد؛ به عبارت دیگر سایر دلایل عدم توافق را نمی‌توان به وضوح دسته‌بندی کرد. ۶ شرکت از شرکت‌هایی که درآمدی

بیش از ۱۰۰ میلیون دلار داشته‌اند و عدم توافق خود را با حسابرسان افشا کرده‌اند، شاهد متوسط افزایشی برابر با ۴ درصد در قیمت سهام خود بوده‌اند.

ناتوانی در اتکا به اظهارات مدیریت

در سال ۲۰۰۴، حسابرسان ۱۹ شرکت مدعی شدند که نمی‌توانند از این پس بر اظهارات مدیریت برای نیل به اهداف حسابرسی اتکا کنند؛ در سال ۲۰۰۳ حسابرس ۶ شرکت در شرایطی مشابه قرار داشتند. از این ۱۹ شرکت، ۱۰ شرکت توسط غول‌های حسابرسی دنیا، ۲ شرکت توسط مؤسسات حسابرسی رده دوم و ۶ شرکت توسط مؤسسات حسابرسی کوچکتر مورد حسابرسی قرار گرفته بودند.

هنگامی که حسابرسی ناتوان از اتکا بر اطلاعاتیست که توسط مدیریت تهیه شده‌اند، تردید بر یکپارچگی صورت‌های مالی شرکت و همچنین یکپارچگی مدیریت شرکت سایه خواهد افکند. همچنین این مسئله نقش نظارتی کمیته حسابرسی را به شدت زیر سؤال خواهد برد. در مواردی که حسابرس اظهارات مدیریت را بی‌اعتبار تلقی می‌کند، می‌توان نتیجه گرفت که حتماً عاملی وجود داشته که بی‌اعتمادی به مدیریت یا هیأت مدیره صاحبکار را ثمر داده است. معمولاً در چنین مواقعی حسابرسان به این نتیجه رسیده‌اند که اطلاعات ارائه شده توسط مدیریت صاحبکار، نادرست یا گمراه‌کننده است و یا اینکه اطلاعاتی که مدیریت صاحبکار در اختیار حسابرس قرار داده، تمام واقعیت نیست و مدیر بخشی از آن را

مخفی کرده است. در برخی موارد حسابرس اطلاعات ارائه شده توسط مدیریت صاحبکار را به این دلیل بی‌اعتبار تلقی می‌کند که مدیریت اقدامی در جهت اصلاح ضعف‌های عمل نیاورده است.

۶ شرکت با درآمدی بالاتر از ۱۰۰ میلیون دلار از شرکت‌هایی که عدم اتکای حسابرسانشان بر اظهارات مدیریت را دلیل تغییر حسابرسان خود در سال ۲۰۰۴ اعلام کرده بودند، رشد متوسط ۱۴ درصد را در قیمت سهام خود تجربه کردند.

گسترش دامنه حسابرسی

تقاضای حسابرس برای گسترش دامنه حسابرسی نشانه‌ای از این مسئله است که حسابرس طی حسابرسی خود به مسئله‌ای در صورت‌های مالی برخورد کرده که با انجام کارهای اضافی درصدد کسب اطمینان و نیل به نتیجه‌ای قاطع است. چنانچه بهانه عزل یا استعفا می‌باشد، رسیدگی کرده باشد، سرمایه‌گذاران باید نسبت به نتایج مالی گزارش شده توسط شرکت نگران و تا حدی بدبین باشند. در چنین مواردی این احتمال وجود دارد که شرکت حسابرسان خود را عزل کرده تا مانع افشاکاری آنها شود و یا اینکه خود حسابرس از ادامه کار استعفا می‌کند تا با پافشاری بر مواضع خود کدورتی میان خود و صاحبکارش پدید نیآورد. ۵ شرکت در سال ۲۰۰۴ این امر را بهانه تغییر حسابرسان خود گزارش کرده‌اند که در سال ۲۰۰۳ این تعداد برابر با ۶ شرکت بوده است. با توجه به این آمار می‌توان به این مسئله خوش بین بود که

اغلب حسابرسان در تعیین دامنه رسیدگی خود آزادند و آنچه را که لازم می‌دانند انجام می‌دهند.

۲ شرکت از ۵ شرکتی که در سال ۲۰۰۴ حسابرسانشان اعلام کرده‌اند نیاز به گسترش دامنه رسیدگی‌های خود دارند، متوسط افزایشی معادل ۳۰ درصد در قیمت سهام خود شاهد بودند.

اعمال غیر قانونی

قانون بورس اوراق بهادار ۱۹۳۴ حسابرسان را ملزم می‌کند تا اعمال غیرقانونی بالقوه را به هیأت مدیره و کمیته حسابرسی صاحبکار گزارش کنند. چنانچه پس از گزارش، مسئله حل نشد، حسابرس باید طی نامه‌ای مخصوص، این موارد را به کمیسیون گزارش دهد. معمولاً این نوع گزارش‌ها به کمیسیون نادرند. از اینجا به بعد خود کمیسیون بورس اوراق بهادار وارد عمل شده، به تحقیق و تفحص پیرامون صاحبکار خاطی می‌پردازد.

نظرات ممنوع حسابرس

حسابرسان به دلایل متعدد ممکن است از اظهار نظر منصرف شوند. در برخی موارد ممکن است شرکت‌ها پیش از آنکه حسابرسانشان به کار خود پایان داده باشند، بدون کسب اجازه از حسابرس خود، به اظهار نظر در مورد گزارش‌های مالی خود بپردازند. در سایر موارد، حسابرسان به اطلاعاتی اضافی پس از انتشار اظهار نظر خود دست می‌یابند و از اظهار نظر قبلی خود انصراف می‌دهند. در اغلب مواقع مسائل حسابداری و حسابرسی دیگری همچون عدم توافق پیرامون مسائل حسابداری،

محدودیت‌های موجود در دامنه رسیدگی و یا ضعف‌های عمده در میان است. در این مواقع، به دلیل مشکلات موجود، انتشار گزارش حسابرس به تعویق می‌افتد و همین مسئله موجبات اقدام غیر مجاز انتشار گزارش حسابرسی توسط شرکت را برای اجتناب از تأخیر در ارایه گزارش به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی فراهم می‌آورد. کمیته‌های حسابرسی شرکت‌ها باید مراقب این مسئله باشند. ۷ شرکت از شرکت‌هایی که حسابرسانشان تغییر کرده‌اند، به انتشار گزارش غیر مجاز اقدام کرده‌اند. همگی این هفت شرکت، شرکت‌های کوچکی بوده‌اند که با مسائل حسابرسی و حسابداری دیگری دست به گریبان بوده‌اند. حسابرسان این شرکت‌ها در نامه خود به کمیسیون بورس اوراق بهادار عدم انطباق گزارش‌های مالی منتشره شرکت با واقعیت را متذکر شده بودند. این دسته از دلایل تغییر حسابرسان، یکپارچگی صورت‌های مالی شرکت و مدیریت آن و نظارت کمیته حسابرسی را به کلی زیر سؤال می‌برد.

کاهش هزینه‌های

حسابرسی

در میان ۵۵ شرکتی که کاهش هزینه‌ها را به عنوان دلیل تغییر حسابرس خود برشمرده‌اند، ۶۰ درصد آن‌ها سابقاً توسط یکی از غول‌ها، ۱۶ درصد توسط مؤسسات رده دوم و ۲۴ درصد توسط مؤسسات حسابرسی کوچک حسابرسی شده بودند. از این میان، ۹ درصد یکی دیگر از غول‌ها، ۴۲ درصد مؤسسات حسابرسی رده دوم و ۴۵ درصد

مؤسسات حسابرسی کوچک را انتخاب کردند و تا زمان تهیه این گزارش ۲ شرکت هنوز حسابرس جدید خود را به کمیسیون اعلام نکرده بودند. هنگامی که یک شرکت تغییر حسابرس خود را به ملاحظات هزینه‌ای مربوط می‌کند، سرمایه‌گذاران باید دقیقاً به کنترل مبلغی که به عنوان هزینه حسابرسی پس از تغییر حسابرسان و در مورد حق الزحمه حسابرسان جدید افشای می‌شود پرداخته، تأثیر منفی کاهش هزینه بر کیفیت حسابرسی را در صورت وجود ارزیابی کنند.

در میان شرکت‌های مذکور، یک شرکت دلیل تغییر حسابرس خود را کاهش هزینه حسابرسی سیستم کنترل داخلی خود عنوان کرده و باقی شرکت‌ها دلیل تغییر را کاهش هزینه انطباق با قوانین اخیر حاکم بر کمیسیون بورس اوراق بهادار (Sarbanes-Oxley Act) قید کرده‌اند. شرکت‌هایی با سیستم ضعیف کنترل داخلی، معمولاً رعایت کامل قانون مذکور را بسیار پر هزینه می‌یابند. ضعف در سیستم کنترل داخلی این شرکت‌ها حسابرسان این شرکت‌ها را مجبور به گسترش دامنه رسیدگی‌هایشان می‌کند. ۵ شرکتی که کاهش هزینه‌های حسابرسی را به عنوان دلیل تغییر حسابرسان خود در سال ۲۰۰۴ اعلام کرده بودند، سهامشان به طور میانگین به میزان ۳۳ درصد افزایش یافت.

کسب نظر مساعد

کسب نظر مساعد به این معناست که شرکتی به امید جلب نظر حسابرس جدید در مورد یک مسئله حسابداری خاص یا صورت‌های مالی به طور کلی، که مورد

توافق شرکت و حسابرس پیشین نبوده است، به تغییر حسابرس خود اقدام کند. هنگامی که شرکتی مکرراً حسابرس خود را تغییر می دهد، این تغییر حکایت از تلاش شرکت برای کسب نظری مساعد پیرامون گزارش های مالی که ممکن است عاری از ایراد نیز نباشند، دارد. در برخی موارد، شرکت ها به حسابرسان سابق خود که اخیراً آنها را عزل کرده اند، رجوع می کنند.

۶۱ شرکت حداقل ۲ مرتبه و ۴ شرکت، ۳ مرتبه در طول سال ۲۰۰۴، حسابرسان خود را تغییر دادند. اکثر شرکت هایی که بیش از یک مرتبه حسابرس خود را تغییر داده اند، شرکت هایی کوچک هستند. ۱۴ شرکت نیز با درآمدی بیش از ۲۵ میلیون دلار حسابرس خود را بیش از یک مرتبه تغییر داده اند.

استعفا از

حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس

در سال ۲۰۰۴، روی هم رفته ۱۳۳ مورد از تغییر حسابرسان به الزامات کمیسیون بورس اوراق بهادار در مورد مؤسسات حسابرسی مربوط می شده است. در حالی که در سال ۲۰۰۳ موارد مشابه، ۵۷ مورد گزارش شده اند.

طبق قانون ساربینز اکسلی Sarbanes-Oxley Act که ما آن را به اختصار SOA می نامیم، حسابرسان شرکت های پذیرفته شده در بورس، باید به عضویت هیأت نظارت بر حسابداری شرکت های سهامی عام (PCAOB) درآیند. حدود ۷۰ مؤسسه کوچک حسابرسی که تعداد صاحبکاران

سهامی عام اکثرشان کمتر از ۳ عدد است، تصمیم دارند به PCAOB نپیوندند و خود را با الزامات قانونی جدید منطبق نسازند.

انطباق با قوانینی که به مرور در مورد شرکت های سهامی عام وضع می شوند برای یک مؤسسه کوچک حسابرسی که منابع محدودی برای انجام کار خود در اختیار دارد، بی نهایت دشوار است. به همین دلیل است که فشار قوانین جدید کمیسیون، اغلب مؤسسات حسابرسی کوچک را تحت فشار قرار می دهند. پس سرمایه گذاران شرکتی که حسابرس آن تغییر کرده و دلیلش این امر است که حسابرس قصد دارد از این پس به حسابرسی شرکت های سهامی عام نپردازد، نباید نگران مسئله تغییر حسابرس باشند.

شاید برایتان تعجب آور باشد که بسیاری از مؤسسات حسابرسی که صاحبکار سهامی عامی ندارند، به PCAOB پیوسته اند! طبق آمار رسمی که توسط PCAOB منتشر شده، ۴۰۰ شرکت از مجموع ۱۴۱۵ شرکت عضو در PCAOB هیچ صاحبکار سهامی عامی را حسابرسی نمی کنند. این گونه مؤسسات با هدف افزایش اعتبار خود در نظر صاحبکاران بالقوه به عضویت PCAOB درمی آیند. با این همه، چنین مؤسساتی مشمول نظارت PCAOB بر کار حسابرسی شان قرار نمی گیرند؛ زیرا صاحبکار سهامی عامی را حسابرسی نمی کنند. به این ترتیب این مؤسسات از اعتباری که پیوستن به PCAOB به آنها ارزانی می دارد، بهره مند می شوند؛ بی آنکه تحت نظارت آن قرار گیرند و

همین مسئله می تواند برای عموم گمراه کننده باشد؛ چراکه خیلی ها از اینکه چنین مؤسساتی تحت نظارت PCAOB قرار ندارند بی خبرند.

ادغام

شرکت ها همچنین به علت تغییراتی که در کنترل حاکم برشان ایجاد می شود و یا به سبب ادغامشان با سایر شرکت ها، به تغییر حسابرسان خود می پردازند. در چندین مواردی سرمایه گذاران می خواهند مطمئن شوند که آیا حسابرس پیشین تمامی آنچه موجب تردید در مورد وضعیت مالی شرکت می شده را افشا کرده است یا خیر. در سال ۲۰۰۴، ۱۰۲ مورد از موارد تغییر حسابرسان، به ادغام شرکت ها مربوط بوده است. از این ۱۰۲ مورد، تنها در ۲ مورد، حسابرسان پیش از عزل از حسابرسی مستقل صاحبکار، وجود ضعف هایی عمده در سیستم مالی صاحبکار خود طی دو سال مالی گذشته را افشا کرده اند. بسیاری از این شرکت ها مشکلاتی در مورد تداوم فعالیت خود داشته اند که می توان این مسئله را یکی از انگیزه هایشان برای ادغام دانست. همچنین، ممکن است مؤسسات حسابرسی کوچک با هم ادغام شوند که این نوع ادغام می تواند به خاتمه ارتباط برخی از مؤسسات درگیر در ادغام و صاحبکارانشان منجر شود. تغییر حسابرسان ناشی از این نوع ادغام از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۰۴ بیش از سه برابر رشد داشته است: ۸۳ مورد در سال ۲۰۰۳ به ۲۲ مورد در سال ۲۰۰۴.

محدودیت در منابع

۱۰ مورد از موارد تغییر حسابرسان، یعنی کمتر از یک درصد، به استعفای حسابرس از ادامه حسابرسی به دلیل محدودیت در منابعش مربوط بوده است. از این تعداد، ۵ مورد مربوط به مؤسسات حسابرسی کوچک، یک مورد مربوط به مؤسسه‌ای رده دوم و ۴ مورد مربوط به غول‌های چهارگانه حرفه بوده است. به غیر از دو مورد از این شرکت‌ها، ۸ شرکت دیگر از مؤسسات حسابرسی کوچک به عنوان حسابرس جدید خود دعوت کرده‌اند و تنها یکی از این شرکت‌ها درآمدی بیش از ۱۰۰ میلیون دلار داشته است. با توجه به اینکه بسیاری از شرکت‌ها معمولاً با تأخیر، تسلیم رعایت الزامات قانونی جدید Sarbanes-Oxley Act می‌شوند، انتظار می‌رود این نوع از تغییرات حسابرسان رو به افزایش باشد؛ چراکه بخشی از الزامات Sarbanes-Oxley Act محوریت کنترل‌های داخلی مناسب را دارد که این امر با منابع محدود در اختیار بسیاری از حسابرسان که امکان قضاوت دقیق بر سیستم کنترل داخلی صاحبکار را نمی‌دهد، سازگار نیست.

شرکت‌ها و حسابرسان: آمدگان و رفتگان

افزایش در تغییر حسابرسان در سال ۲۰۰۴ بهت آور است. هرچند دامنه این افزایش شرکت‌های متعددی با سطوح درآمدی مختلف را در بر می‌گیرد، اما تحلیل وضعیت درآمدی شرکت‌ها و تعداد تغییرات صورت گرفته در حسابرسان هر طبقه، نتایج جالبی در بر

دارد. تغییر حسابرسان در شرکت‌هایی با درآمد بیش از یک میلیارد دلار نسبت به سال قبل به بیش از دو برابر افزایش یافته است. همچنین تغییرات صورت گرفته در حسابرسان شرکت‌هایی که درآمدی بیش از ۱۰۰ میلیون دلار و کمتر از یک میلیارد دلار دارند، در مقایسه با سال قبل به بیش از دو برابر می‌رسد. میزان تغییر در شرکت‌های کوچکتر نیز نسبت به سال ۲۰۰۳، افزایش چشمگیری دارد. طبق آمار منتشره توسط کمیسیون بورس و اوراق بهادار، تغییر حسابرس در شرکت‌هایی با درآمد پایین‌تر از ۱۰۰ میلیون دلار بسیار متداول‌تر از این امر در شرکت‌هایی با درآمد بالاتر است؛ به عبارت ساده با تحلیل آمار اعلام شده تغییرات صورت گرفته در حسابرسی شرکت‌های هر طبقه درآمدی، روند کاهش تغییرات با افزایش درآمد شرکت‌ها به چشم می‌خورد.

از دیرباز، مؤسسات بزرگ حسابرسی و همچنین انجمن حسابداران رسمی آمریکا (AICPA) بر این باور بوده‌اند که تغییر حسابرسان از کیفیت کار حسابرسی می‌کاهد، اما تغییر حسابرسان، طرفدارانی هم دارد؛ دلیل اصلی حامیان تغییر حسابرس مستقل این است که چنانچه حسابرسی برای مدتی طولانی مسئولیت حسابرسی مستقل شرکتی را بر عهده داشته باشد، میان وی و مدیریت صاحبکار به اعتبار سابقه همکاری‌شان روابط دوستانه‌ای برقرار خواهد شد و این امر مخل استقلال حسابرس بوده، وی را از انجام وظایف اصلی باز می‌دارد. با توجه به نتایج روند افزایشی تغییر حسابرسان در سال‌های اخیر، می‌توان به قضاوت تأثیر این تغییرات بر کیفیت کار

حسابرسان پرداخت.

مسئله تأمل برانگیز دیگر در این مطالعه این است که سیل تغییر حسابرسان در سال‌های اخیر، بیش از همه به نفع مؤسسات حسابرسی کوچک شده است؛ شرکت‌هایی که حسابرس خود را تغییر داده‌اند، برای انتخاب جانشین حسابرسان پیشین خود، بیشتر به مؤسسات کوچک حسابرسی متمایلند و کار حسابرسی مستقل خود را به مؤسسات کوچک سپرده‌اند. در رابطه با شانس کسب فرصت و جانشینی، مؤسسات حسابرسی رده دوم، مقام بعدی را از آن خود کرده‌اند؛ حال آنکه به گواهی داده‌های موجود، متضررترین حسابرسان در کوران چالش تغییر، غول‌های بزرگ بوده‌اند و بخش قابل‌تأملی از سهم بازار خود را به مؤسسات کوچک واگذار کرده‌اند.

هرچند دلایل رونق بازار کار مؤسسات حسابرسی دقیقاً روشن نیست؛ ولی می‌توان چند برداشت از این مسئله داشت: نخست اینکه، غول‌های حرفه در انتخاب صاحبکار، به تعبیر خود، سخت‌گیرتر شده‌اند و حسابرسی مستقل هر شرکتی را بر عهده نمی‌گیرند. همچنین به تدریج، فهرست صاحبکاران خود را از شرکت‌های کوچک تهی می‌کنند تا خود را از شر این صاحبکاران "ریسک‌دار" برهانند. دوم اینکه بسیاری از شرکت‌هایی که کاهش قیمت را برای تغییر حسابرس خود بهانه کرده‌اند، قاعدتاً به سراغ مؤسسات حسابرسی کوچک ارزان‌تر می‌روند و سوم این که تعدادی از مؤسسات حسابرسی کوچک در هم ادغام شده‌اند و در عرصه رقابت با وجود اینکه تعداد صاحبکاران

مؤسسات حسابرسي کوچک افزایش یافته، اما غول‌ها همچنان يکه تاز میدان حسابرسي عظيم ترين شرکت های دنيا هستند. از میان ۹۰ شرکتی که با درآمدی بیش از ۵۰۰ میلیون دلار، حسابرسي خود را تغییر داده اند، ۵۸ درصدشان برای جانشینی حسابرسانشان به "چهار بزرگ" روی آورده اند.

عملکرد شرکت‌ها

پس از تغییر حسابرسي

بیش از نیمی (۵۶ درصد) از ۸۲ شرکتی که با درآمد بالاتر از ۱۰۰ میلیون دلار حسابرسانشان در سال ۲۰۰۳ تغییر کرده بود، در سال منتهی به تغییر، عملکردی بهتر از ۵۰۰ شرکت برتر S&P با میانگین امتیازی ۵۶ درصدی داشته اند. ۴۴ درصد باقیمانده نیز با متوسط امتیازی برابر با ۳۲ درصد، عملکردی ضعیف تر نسبت به ۵۰۰ شرکت برتر S&P داشته اند. یک سال پس از تغییر حسابرسان، ۳۰ درصد از این شرکت‌ها با میانگین امتیازی ۱۶ درصدی عملکرد ضعیف تری نسبت به برترین‌های S&P داشته اند؛ حال آنکه ۷۰ درصد از آنها با میانگین امتیاز ۱۲۱ درصدی عملکرد قوی تری نسبت به برترین‌های S&P داشته اند.

تأثیر تغییر حسابرسان بر حق الزحمه‌های حسابرسي

هنگامی که تغییر حسابرسي به وقوع می‌پیوندد، حق الزحمه حسابرسي کاهش نخواهد یافت. حق الزحمه پرداختی به هر یک از حسابرسان ۲۸ شرکت که درآمدی

بیش از ۱۰۰ میلیون دلار داشتند و حسابرسي خود را تغییر داده بودند، به طور متوسط ۱۳۰ هزار دلار افزایش یافته است. در میان این ۲۸ شرکت، حق الزحمه‌ای که ۱۶ مورد از آنها به حسابرسان جدیدشان پرداخته اند، نسبت به قبل کاهش و در مورد ۲۲ شرکت از این گروه، حق الزحمه پرداختی افزایش یافت که در کل، متوسط این تغییرات معادل ۱۳۰ هزار دلار افزایش بابت هر شرکت بود.

هزینه‌های مربوط به حسابرسي نیز در کل، به میزان ۵ میلیون دلار کاهش یافت. می‌توان گفت به طور کلی خالص مبلغ پرداخت به حسابرسان تغییری نکرده است. [توضیح مترجم: افزایش حق الزحمه‌های پرداختی به حسابرسان شرکت‌هایی که حسابرسي خود را تغییر داده اند و درآمدی بیش از ۱۰۰ میلیون دلار داشته اند، برابری با $(130000 \times 28) = 3640000$ بوده که تقریباً معادل افزایش در هزینه‌های حسابرسي این شرکت‌ها (۵۰۰۰۰۰۰ دلار) است؛ پس خالص دریافتی حسابرسان، پس از تقابل هزینه‌های پرداختی بابت حسابرسي و حق الزحمه‌های دریافتی که می‌توان از آن به خالص عایدی حسابرسان این شرکت‌ها تعبیر کرد، تغییری نکرده است.] لازم به ذکر است که افزایش ۵ میلیون دلاری هزینه‌های حسابرسي، رقمی خالص است که برآیند افزایش بخشی از هزینه‌ها و کاهش برخی دیگر است. به دیگر سخن، این افزایش را می‌توان به کاهش برخی هزینه‌ها و افزایش برخی دیگر تجزیه کرد؛ واضح است الزامات جدیدی که کمیسیون بورس اوراق بهادار در عمل به مقررات Sarbanes-Oxley Act به شرکت‌ها تحمیل

می‌کند، موجب افزایش هزینه‌های حسابرسي می‌شود. از آن سو، استقلال مخدوش حسابرسان که بدل به دغدغه‌ای جدی برای حرفه شده، موجب می‌شود که شرکت‌ها برای انجام سایر خدماتی که ممکن است مخل استقلال حسابرسي باشند، از حسابرسان مستقل خود کمک نگیرند و همین مسئله هزینه پرداختی به حسابرسان را کاهش می‌دهد.

احیای شفافیت از دست رفته

تعداد تغییر حسابرسان در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ افزایش چشمگیری داشته است و روی هم بالغ بر ۲۵۰۰ مورد می‌شود. افشای دلایل تغییر حسابرسان می‌تواند در دادن دیدی کلی به سرمایه‌گذاران نسبت به وضعیت مالی شرکت مفید باشد. سرمایه‌گذاران شرکت‌هایی که حسابرسي خود را تغییر داده اند، باید توجه زیادی به دلایل افشا شده این تغییر کرده، تأثیر این امر را بر نوسانات قیمت سهام شرکت تحلیل کنند. با اینکه بسیاری از شرکت‌ها دلایل تغییر حسابرسانشان را افشا می‌کنند، اما هنوز اطلاعات کافی در این مورد ارائه نمی‌شود و همین مسئله یکی از دغدغه‌های مهم ناشی از این چالش جدید در حرفه است. شرکت‌ها در مورد ۵۹ درصد از تغییر حسابرسان هیچ توضیحی ارائه نکرده اند و سرمایه‌گذاران را در تاریکی رها کرده اند. این مسئله چالش جدیدی برای کمیسیون بورس اوراق بهادار ایجاد کرده و آن را به تجدید نظر در قوانین خود در راستای ایجاد شفافیت بیشتر و پرده برداشتن از دلایل واقعی این تغییرات، وا می‌دارد.